

عنوان مقاله:

نقد کهن الگویی عناصر کیهانی در مصور سازی فالنامه دوره صفوی مرتبط با سرنوشت انسان

محل انتشار:

دوفصلنامه نگارینه هنر اسلامی، دوره 9، شماره 24 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

پریسا آرونند - گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مرضیه بابایی چهارده - گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، شهر رشت، استان گیلان، ایران

خلاصه مقاله:

از دیرباز، حرکت اجرام آسمانی و آنچه که در آسمان اتفاق می افتاد برای آدمی حیرت آور و سوال برانگیز بود و ذهن جستجوگر او همواره در پی پاسخی روشن برای کشف ارتباط بین سرنوشت خود با رخدادهای آسمان بوده است، تا آنجا که وقایع مهم تاریخی خود را با رخدادهای آسمان مرتبط دانسته است. توجه به این موضوع در اغلب ادیان و اسطوره های ثبت شده بشر نیز دیده می شود و همین ارتباط در تاریخ بعد از اسلام سبب به وجود آمدن یکی از زمینه های مهم فعالیت های علمی مسلمانان شد و کتاب های بسیاری در زمینه نجوم به نگارش درآمد. نقش عناصر کیهانی در آثاری هنری از جمله نگارگری یادآور اهمیت توجه به تغییرات اجرام آسمانی است که انسان باور به تاثیر و نقش آن ها در سرنوشت خود داشته است. تحقیق حاضر در جستجوی پاسخ به پرسش هایی است که ارتباط بین سرنوشت انسان و تغییرات آسمان را با معنایی جدید روشن سازد. بنابراین با بررسی چند نگاره از فالنامه فارسی توپکاپی به دنبال دلایل اعتقاد به ارتباط بین سرنوشت انسان و تغییرات و وقایع آسمان است و به این سوال پاسخ می دهد که مفاهیم و معنای نقوش کیهانی به کار رفته در این نگاره ها چه بوده است و چه عواملی در پیدایش و تولد عناصر کیهانی و باور به تاثیرشان بر سرنوشت انسان نقش داشته است. هدف از انجام این پژوهش بررسی عناصر نجومی و کشف علت باور پیدایش آن ها در ارتباط با سرنوشت انسان است که در مسیر رسیدن به این هدف نظریه های فلاسفه با رویکرد کهن الگویی مورد استفاده قرار گرفته است. روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی می باشد و روش گردآوری مطالب اسنادی و کتابخانه ای از طریق فیش برداری و تصویرخوانی است. همچنین داده ها از روش تجزیه و تحلیل کیفی بررسی شده است. با توجه به نتایج تحقیق می توان به این باور دست یافت که عناصر شکل گرفته کیهانی بر اساس مفهوم و تاثیرات مشهود و مشخص در سرنوشت نسل های بشر پدیدار شده اند و به واسطه اهمیت و تکرار آن در طول قرن های متمادی، نسل به نسل توسط ناخودآگاه جمعی به ارث رسیده اند و در نهایت به دست هنرمندان برای انتقال مفهومی مطابق با کهن الگوی تاثیرگذار در سرنوشت انسان ها بازآفرینی شده و به صورت نگاره ها درآمده است. شناسایی و تحلیل رموز و عناصر بکار گرفته شده در نگاره های تحقیق حاضر شاهدان زنده این نظریه می باشند.

کلمات کلیدی:

نقد کهن الگویی، عناصر کیهانی، فالنامه صفوی، سرنوشت انسان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1611383>

